

موفقیت های تحصیلی

هنگامیکه کودکی خوب درس نمیخواند و نمرات بدی میگیرد برای اصلاح او تنبیه و یا سخره اش میکنیم باید توجه داشت که همه تنبیها یکسان نیستند و علت تنبیهی بچهها متفاوت است. برای اصلاح او بهتر است اول عواملی را که دراین امر مؤثر است مورد مطالعه قرار دهیم.

عقب ماندگی عقلانی: کودکانی باین بیماری دچار هستند که اصولا از نظر عقلانی عقب مانده هستند و این عقب ماندگی در کلیه شئون زندگی آنها بچشم میخورود و این قبیل اطفال دیرتر از همسالان خود میخوانند، راه میروند، حرف میزنند و بطور کلی مسائل را دیرتر درك میکنند. کودک عقب مانده در تحصیل بنیاز کند است و نمیتواند به موازات همسالان خود دراین امر پیشروی کند. اگر ضریب هوشی او را اندازه بگیریم می بینیم که از ضریب هوشی کودکان همن خودش کمتر است. اختلاف این عقب ماندگی بین این طفل و دیگران در حدود يك الی دو سال است. کودک از همه حیث

آیا فرزند ما تنبل است؟

طبیعی و سالم است فقط از نظر هوش کمی ضعیف می باشد . کودک در دبستان سعی میکند که دانش آموز زرنگی باشد ولی همانطور که ذکر شد قوه ادراک داش گنجایش درک همه مطالب را ندارد . برای این طفل باید دروس بسیار ساده و قابل فهمی در نظر گرفت . پدر و مادر چنین طفلی اگر عاقل باشند ، با علم باین مطلب از سرزنش کودک خودداری کرده و هرگز به او نشان نمیدهند که از او مایوس شده اند . بلکه با حوصله و صبر و متانت با وی رفتار میکنند . چون این قبیل اطفال احتیاج بیشتری به کمک مادی و معنوی اولیاء خود دارند .

پدر و مادر باید به فرزند عقب مانده خود کمک کنند تا دروسی چون خواندن ، نوشتن و حساب های ساده را فراگیرد و در آینده از نظر اجتماعی فردی مستقل بار آید .

عدم سلامتی و کمبود انرژی :

اگر کودک باهوشی در امر تحصیل موفق نبود قبل از همکاری باید او را نزد پزشک ببریم تا مأمیانی از اعضای مختلف بدن او بعمل آورد .

چشمها کودکی که چشمش خوب نمی بیند ، نمی تواند دروس که روی تخته نوشته میشود را به آسانی بخواند . گوشها کودکی که خوب نمی شنود نمیتواند دروس شفاهی را کاملاً بفهمد .

او از پاسخ گفتن به سئوالان خودداری میکند زیرا فکر میکند ممکن است سئوال را اشتباه شنیده باشد و جواب او با خنده و تمسخر سایر دانش آموزان مواجه شود .

حالت عمومی کودکی که براحتی تنفس نمیکند یا بطور کلی سالم نیست نمیتواند مانند دیگران همیشه در تحصیل موفق باشد . ناراحتی عمومی او سبب میشود که مقداری از انرژی اش بیهوده به هدر رود .

بنابراین قبل از اینکه در صدد اصلاح فرزند تنبل خود برآئیم لازم است که او را به پزشک نشان دهیم و وقتی از سلامت روحی و جسمی او مطمئن شدیم عوامل دیگری وجود دارد که باید به آنها نیز توجه نمود .

خواب

کودک باید خوب بخوابد و

ساعات خواب او باید زیاد باشد بهتر است کودک را شب به سینما ببریم همچنین نگذاریم که تا دیر وقت به تلویزیون نگاه کند . اگر طفل دیر بخوابد مقداری از خواب با ارزش خود را از دست داده امکان دارد که ناراحتیهای در او بوجود آمده و احساس کوفتگی کند .

گردش

کودک باید به حد کافی از هوای آزاد استفاده کند روزهای تعطیل باید کودک را به باغ و مچلهای سرسبز ببریم تا با کودکان دیگر بازی کند و از هوای آزاد بهره مند شود .

تغذیه

کودک باید سر ساعت مقرر غذا بخورد . البته نباید سختگیری زیادی در این امر بنمائیم ولی اجرای يك برنامه منظم غذایی برای طفل لازم است .

کودک را نباید مجبور کنیم که زیاد بخورد ، بعضی از کودکان کم

لطفاً ورق بزنید



غذا میخورند و این موضوع نباید سبب ناراحتی اولیاء شود . بعضی از اطفال به آب علاقه بسیار دارند باید سعی کنیم که همراه غذا کمتر آب بخورند .

بطور کلی طفل را باید آزاد گذاشت تا به میل خود غذا بخورد . البته شکی نیست که انجام کلیه این کارها در خانه های کوچک برای مادران که اغلب خیلی کار دارند مشکل است . ولی باید متوجه بود که تنها به این طریق است که میتوان سلامتی جسمی و روحی طفل را تامین نمود .

ج - کودک ضعیف و کم بنیه

این قبیل اطفال بطور کلی دچار یک ضعف عمومی میباشند که سبب تنبلی آنها در کلاس درس میشود . کودک به دلیل ضعف بدنی ، بی حالی و کندی در کارها کمتر موفق میشود که کاری را تماما انجام دهد ، خیلی زود خسته میشود و از همه چیز دلسرد میگردد .

این قبیل کودکان احتیاج به مواظبت بیشتری دارند .

مواظبت پزشکی

بدون شك ضعف بچه ناشی از اختلالات غددی و نارسائی کبدی است.

مواظبت از نظر روش کار :

كودك را در موقع درس خواندن باید آزاد گذاشت تا روش دلخواهش را انتخاب نماید . تشویق او به سریع کار کردن بیهوده است . مهم‌ذا باید به او بفهماند که کاری که انجام میدهد باید نتیجه خوبی داشته باشند . برای اصلاح او لزومی ندارد که پدر یا برادر بزرگترش را به رخش بکشیم زیرا او همیشه فکر میکند که آنها خیلی از او برتر هستند و به هیچوجه قادر نیست که با آنها برابری کند . این وظیفه مادر است که به او بفهماند که اگر صحیح کار کند میتواند مانند پدرش شخص مستقل و قابل ستایشی شود . برای ایجاد این حس در طفل بهتر است پدر شخصیت بیشتری برای او قائل شده گاه با او بازی کند یا با اتفاق به گردش و تفریح بروند . کم‌کم در طفل این حس بوجود می‌آید که او نیز میتواند موفقیت‌های خوبی در زندگی کسب کند و در آینده شخص فعالی شود .

مواظبت از نظر تحصیلی

طفل را باید در کلاسی بگذاریم که شاگردان آن محدود باشند بطوری

که معلم بتواند تسلط بیشتری بردانش-آموزان داشته باشد .

در امور تحصیلی كودك باید بطور غیر مستقیم دخالت کنیم به این طریق که وعده‌های خیلی نزدیکی به او بدهیم : فی‌المثل بگوئیم اگر موفق شود برایش شئی مورد علاقه‌اش را میخریم یا بطور کلی وعده خوش آیندی به او بدهیم .

كودك شیطان و شلوغ

به این كودكان نمیتوان گفت تنبیل زیرا این طفل اغلب سرکلاس به بازیگوشی و شیطنت میپردازد و درس معلم را گوش نمیکند . اخلاق كودكان شیطان در سنین مختلف متفاوت است . مثلاً در سنین ۶ الی ۷ سالگی شیطنت برای كودك امری است طبیعی .

طفل را نباید زیاد ناراحت کنیم مثلاً اگر نمره اخلاقت خوب نبود با او به خشونت رفتار کردن بیهوده است . او را باید قانع کنیم ، مثلاً بامهربانی به او بفهمانیم که اگر نمره اخلاقت خوب شود معدل او نیز به همان میزان بالا میرود و شاگرد بهتری خواهد شد .

معمولاً با پرحرفی بچه مخالفت بیشتری میشود خصوصاً اگر این عمل

در سر کلاس مانع درس دادن معلم باشد . در این مورد باید کنجکاوی طفل را برای گوش دادن به درس و مطالب معلم بنحوی تحریک کرد و او را به موضوع مورد بحث علاقمند نمود ، تشبیه کردن این قبیل اطفال بازیگوشی آنها را تشدید میکند .

در جوار این شیطنت که تاسن مخصوصی در طفل وجود دارد و کم‌کم بموازات بزرگ شدن طفل از بین میرود ، گاه با موارد بی‌ثباتی كودك مواجه میشویم که خالی از اشکال نیست . در این صورت دانش‌آموز دیگر قادر نیست از خود اراده‌ای داشته باشد دائم در حال جنب و جوش است و هرچه بخواهد بدرس معلم گوش فرا دهد موفق نمیشود . در این موقعیت كودك نمیتواند همه چیز را درك کند . بهتر است تا با مراجعه به پزشك در معالجه او بکوشیم .

مشاجرات كودكان با اطرافیان

مشاجره با اولیاء كودکی که در کلاس رفوزه میشود بدون شك سبب ناراحتی پدر و مادر خود را فراهم می‌نماید . در صورتیکه موفقیت طفل پدر و مادر را شاد و خوشحال میکند . آیا عدم موفقیت در امر تحصیل لطفاً ورق بزیند

نمی‌تواند برای طفل وسیله‌ای باشد که با توسل بدان از پدر و مادر ناهربان خود انتقام بگیرد ؟

تجربه ثابت کرده که کوچکترین کدورتی که بین پدر و مادر و بچه پیش بیاید بلافاصله عکس‌العمل آن در امور تحصیلی طفل مشاهده می‌شود. کودکی که به درست یا به غلط فکر میکند که پدر و مادرش علاقه‌ای به او ندارند تصمیم می‌گیرد که از اولیاء که او را طرد کرده‌اند و از خودش که لیاقت جلب محبت آنها را نداشته انتقام بگیرد .

بهترین راه برای نیل به این هدف عدم موفقیت در یکی از شئون زندگی است . رد شدن در امتحانات و مخالفت با پدر و مادر تنها وسیله دفاعی است که کودک در این موقعیت از آن استفاده می‌کند . اگر باین وضع مواجه شدیم باید بی‌درنگ به معلم طفل رجوع کرده و وضع موجود را برایش شرح دهیم . معلم به‌عنوان یک شخص بی‌طرف و پدری یا مادری مهربان یا طفل صحبت کرده ناراحتیهای او را برطرف می‌کند .

تنبیه کردن طفل در این موقعیت بی‌فایده است ، بهتر است پدر و مادر حس اعتماد را در او تقویت کنند و به‌او بفهمانند که خودش از آنچه تظاهر میکند بهتر است عوامل مختلفی در وجود آوردن این ناراحتیها مؤثر است ، که بعضی اوقات باسانی می‌توان به آن پی برد . مثلا پدر و

مادری که طلاق گرفته‌اند و یا فقط يك دعوی ساده بین آنها اتفاق افتاده است کودک خود را مجبور میکنند که بین آن دو و محبت پدری و مادری یکی را انتخاب کند یا اینکه تشخیص دهد که کدامیک از آنها بهترند ، انجام این کار برای طفل بسیار مشکل و ناگوار است .

مرگ یکی از اولیاء در بوجود آوردن این ناراحتی در طفل تاثیر بسیار دارد خصوصا اگر شخص متوفی در زمان حیات خود دائم به‌طفل گفته باشد که اگر درس نخوانی یا شیطانی کنی من از غصه خواهم مرد . در این صورت کودک خودش را سبب مرگ او میدانند و این مسئله صدمه بسیاری به‌او میزند و روحش را آزرده و مذبذب می‌کند . تولد يك نوزاد نیز اختلالاتی در وضع تحصیلی کودک بوجود می‌آورد . کودک که نوزاد را رقیب خود میدانند از درس خواندن خودداری می‌کند تا خود را بچه تر از آنچه که هست نشان دهد و توجه پدر و مادر را به خود جلب کند . بعضی اوقات نیز این ناراحتی ها که پدر و مادر به آن توجه نمی‌کنند در سنین بالاتر سبب ناراحتیهای روانی در طفل می‌شود . به‌رحال بهتر است که قبل از اینکه به‌درمان اشکالات تحصیلی کودک بپردازیم ریشه ناراحتی های او را بیابیم در این صورت خیلی زود می‌توانیم او را درمان کنیم . معمولا با تقلیل دادن مشاجرات

خانوادگی میتوان اغلب این ناراحتیها را برطرف کرد .

مشاجره با برادران و خواهران

هرگز نباید کودک را با برادر و خواهر بزرگتر مقایسه کرد . مثلا به‌او گفت که برادرت همیشه حسابش ۲۰ میشد یا خواهرت وقتی به سن تو بود همه‌کار بلد بود . این روش برای تشویق طفل به درس خواندن اغلب بی‌تاثیر است ، زیرا طفل خودش را با آنها مقایسه میکند و فکر میکند که به هیچ وجه قادر نیست مثل آنها زرنک باشد . بنابراین دست از مبارزه برداشته مایوس و ناامید میشود .

مشاجره با دانش‌آموزان و دوستان

برای تشویق طفل همیشه باید از موفقیت های او صحبت کرد نه از شکست‌هایش . باید با روش تلقین به‌او اعتماد به نفس داد .

بچه‌های کمر و معمولا از محیط مدرسه بیزارند زیرا کسی به حساسیت آنها توجه نمی‌کند و شاگردان دیگر اغلب سبب رنجش و ناراحتی آنها میشوند .

به‌همین دلیل این قبیل اطفال همیشه گوشه گیر بوده از ترس تمسخرهای دوستان جرئت نمی‌کنند صحبت کنند یا سر کلاس به سئوالهای معلم پاسخ گویند .

معمولا این ناراحتیها هرچه‌طفل بزرگتر میشود کمتر میشوند تا بالاخره برطرف میگردد ولی اگر ادامه‌یابد نشانه این است که طفل نمیتواند با

دیگران رابطه ای داشته باشد و از دوستیها گریزان است .

اهمیت توجه اولیاء به امور

تحصیلی و مدرسه کودک

تعیین رشته تحصیلی برای اطفال

در انتخاب رشته تحصیلی کودک توجه به استعداد و منافع کودک لازم است این توجه بیشتر بعد از اتمام تحصیلات دوره ابتدائی باید مبذول شود زیرا در این مدت استعداد های بچه شناخته میشود و بهتر میتوان تشخیص داد رشته مورد علاقه او چیست و او را در رشته مورد نظر تقویت کرد . البته در انتخاب رشته نباید توجه کرد که چه رشته ای از همه آسان تر است و او را به دنبال آن فرستاد بلکه توجه به ذوق و امکانات جسمی ، روحی و عقلانی او در درجه اول اهمیت قرار دارد . در ضمن لزومی ندارد که آرزوهای طلائی انجام نشده خود را از او بخواهیم یا رشته مورد علاقه خود را به او تحمیل کنیم زیرا کودک آینده خود را میسازد نه آینده پدر و مادر را . گذشته از این طفل باید درک کند که درس خواندن و موفقیت در امتحانات در زندگی آینده او تاثیر بسزا دارد . اغلب بچه ها وقتی یک دوره از تحصیلاتشان تمام شد حیران و سرگردان هستند و نمیتوانند که چه آینده و سرنوشتی در انتظار آنهاست و این احساس ذوق کار کردن را در آنها مغلوب میکند .

(برای راهنمایی بچه ها در انتخاب رشته تحصیلی و حرفه ای مشورت با یک مرکز هدایت حرفه ای میتواند مثمر تر باشد)

باید به مدرسه اعتماد داشت

یعنی از بچه ها تپیل نیستند ولی با اینوصف در امتحانات رد میشوند زیرا به مدرسه اعتماد ندارند و این احساس عکس العمل مستقیم حرفه ای پدر است که میگوید « این درس خواندن به هیچ دردی نمی خورد » یا « برای پول در آوردن نباید اینقدر به خود زحمت داد ، و یا راههای بهتری وجود دارد که از درس خواندن آسانتر و بهتر است » . چگونه میتوان از کودکی که تمام روز این جنالات یاس آور را میشوند انتظار داشت که درس بخواند و در امتحاناتش قبول شود . پدر و مادر باید تحصیلات بچه را در درجه اول اهمیت قرار دهند . اگر کودک تکالیفش را انجام نداد نباید بدون توجه به این مسئله او را به گردش ، سینما یا استخر برد . همچنین نباید از وقت و انرژی او برای نگهداری و مواظبت از بچه کوچکتر در خانه استفاده نمود . پدر و مادری که اعتماد فرزند خود را جلب میکنند میتوانند به این وسیله او را به درس خواندن و فعالیت برای موفقیت در امتحانات تشویق کنند و از این طریق آینده بهتری برای فرزندان خود بسازند .